



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسین طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

جلسه صد و سیزدهم؛ سه شنبه ۱۳۹۴/۳/۱۲

بررسی صحت عبادات صبی

مبحث صحت عبادات صبی ممیز، مشابه بحث اسلام صبی است و اطلاقات و عموماتی از قرآن کریم و روایات شریفه وجود دارد که شامل عبادات صبی ممیز می شود و می توان از آنها صحت عبادت او را استفاده کرد؛ چراکه صبی ممیز نیز مخاطب به این عبادات است و نسبت به آنها امر دارد، لذا اگر مخرجی نداشته باشیم باید بگوییم عبادات صبی ممیز صحیح است.

اطلاقات و عمومات دال بر صحت عبادات صبی

۱. آیه ۲۱ سوره بقره:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ این کریمه خطاب به عموم مردم است و صبی ممیز را هم شامل می شود، و اگر عبادات صبی صحیح و مقبول نبود، خطاب به او وجهی نداشت.

۲. آیه ۷۷ سوره حج:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

این کریمه نیز عام است و شامل صبی ممیز هم می شود؛ زیرا علی الفرض پذیرفتیم که صبی می تواند ایمان بیاورد، و از آنجا که ظاهر کریمه آن است که خطاب به رکوع و سجود - که معمولاً کنایه از صلوات است - مقدور اوست پس از او پذیرفته می شود و صحیح است.

اطلاقات و عمومات متعدد دیگری در قرآن کریم وجود دارد که انبیاء الهی معمولاً قوم خود را مورد خطاب قرار داده‌اند که این اطلاقات شامل کبیر و صبیّ آن هنگام که تعقل دارد می‌شود و از آن‌جا که فرقی بین پیامبر اسلام ﷺ و سایر انبیاء الهی صلوات الله علیهم از این جهت نیست، پس استفاده می‌شود که عبادات صبیّ در دین اسلام نیز صحیح است.

مؤید این مطلب، قضیه‌ی حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام است که حضرت به إذن خداوند متعال در جواب این سؤال که «كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» فرمودند: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا * وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۱. پس حضرت عیسی با این‌که کودک بودند، امر به صلوات و زکات شدند، پس معلوم می‌شود که ملاک صحّت عبادات، فهم و تعقل است. البته می‌توان ادعا کرد که حضرت عیسی استثناء بودند، بدین جهت این وجه را به عنوان مؤید ذکر کردیم.

بنابراین از عمومات قرآن کریم و روایات شریفه استفاده می‌شود که عبادات صبیّ صحیح است و اگر دلیل مخرجی از این عمومات وجود نداشته باشد، ملتزم به صحّت عبادات صبیّ ممیز می‌شویم.

مخرجی هم که می‌توان در این‌جا ذکر کرد، دو حدیث «رفع القلم» و «عمد الصبی و خطؤه واحد» است و سایر مخرجاتی که قبلاً ذکر شد، در ما نحن فیه جاری نیست. در جواب به این دو مخرج می‌گوییم:

همان‌طور که بیان کردیم، حدیث «رفع القلم» با این خصوصیات [و الفاظ] که قلم تشریح اصلاً شامل صبیّ نمی‌شود، معلوم نیست که از معصوم عَلَيْهِ السَّلَام صادر شده باشد، هرچند اصل آن از واضحات است و برخی مطالب نیز مربوط به دلالت آن گذشت.

در مورد روایات «عمد الصبی و خطؤه واحد» هم بیان کردیم که این روایات مخصوص به باب جنایات صبیّ و نهایتاً باب عقوبت است.

مضافاً به این‌که از مجموع روایاتی که درباره‌ی صلاة، صوم و حجّ صبیان وارد شده، استفاده می‌شود که اولاً: این عبادات تمرینی نیست به گونه‌ای که فقط وظیفه‌ای برای اولیاء باشد که صبیان خود را تمرین به اتیان عبادات بدهند، بلکه ظاهر این روایات آن است که این اعمال عبادی حداقل در جایی که صبیّ تعقل می‌کند، از جانب خودش صحیحاً واقع می‌شود. ثانیاً: صوم، صلاة و حجّ خصوصیت ندارد و سیاق این

۱. سوره‌ی مریم. آیه‌ی ۲۹ تا ۳۱: «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا * قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ...»

روایات سیاق استثناء نیست بلکه چون مصداقی از سایر عبادات صبی است، صحیح می باشد. بعض این روایات عبارتند از:

۱. صحیحہی زرارة:

وَ [محمد بن علی بن الحسین] بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بِابْنِهِ وَ هُوَ صَغِيرٌ فَإِنَّهُ يَأْمُرُهُ أَنْ يُلَبِّيَ وَ يَفْرِضَ الْحَجَّ فَإِنْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يُلَبِّيَ لَبَّوْا عَنْهُ وَ يُطَافُ بِهِ وَ يُصَلَّى عَنْهُ قُلْتُ: لَيْسَ لَهُمْ مَا يَذْبَحُونَ قَالَ: يُذْبَحُ عَنِ الصَّغَارِ وَ يَصُومُ الْكِبَارُ وَ يُتَّقَى عَلَيْهِمْ مَا يُتَّقَى عَلَى الْمُحْرَمِ مِنَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ وَ إِنْ قَتَلَ صَيْدًا فَعَلَى أَبِيهِ. وَ رَوَاهُ الْكُلَيْبِيُّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْمُتَنِّي الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ.^۱

زرارة از امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: هرگاه مرد با پسر صغیر خود به حج برود، او را امر می کند تا لَبَّیْکَ بگوید و حج را بر خودش فرض کند، پس اگر صبی نتوانست لَبَّیْکَ بگوید، دیگری از او نیابتاً لبیک می گوید و او را طواف می دهد و به نیابت او نماز به جا می آورد. عرض کردم: اگر چیزی نداشته باشند که ذبح کنند چی؟ حضرت فرمودند: از طرف خردسالان ذبح کرده می شود و بزرگسالان روزه می گیرند و ایشان را از هر چه که مُحْرَم باید از آن پرهیزد کند مانند جامه و عطر، پرهیز می دهند. و اگر کودک صیدی را بکشد، کفاره آن بر عهدهی پدر اوست.

ظاهر این روایت که می فرماید «اگر صبی می تواند احرام ببندد و تلبیه بگوید، او را امر به آن می کنند» این است که حج از جانب خود صبی واقع می شود. هم چنین ظاهر ذیل روایت که می گوید اگر صبی نمی تواند احرام ببندد یا تلبیه بگوید دیگری از او نیابت می کند، این است که حج برای خود صبی واقع می شود.

یکی از شواهد این مطلب آن است که اصحاب از امام علیه السلام سؤال می کردند که اگر طفل حج به جا بیاورد، آیا مجزی از حجة الاسلام است یا نه؟ بنابراین معلوم می شود اصحاب می دانستند حج از جانب خود صبی واقع می شود - نه این که تمرینی باشد یا وظیفه ای برای ولی باشد - فقط شبهه ای داشتند که آیا مجزی از حجة الاسلام نیز هست یا نه؟ که حضرت فرمودند مجزی نیست؛ مثلاً در موثقهی اسحاق بن عمار وارد شده است:

- موثقهی اسحاق بن عمار:

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۱، کتاب الحج، أبواب اقسام الحج، باب ۱۷، ح ۵، ص ۲۸۸ و من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۳.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ ابْنِ عَشْرٍ سَنِينَ يَحُجُّ قَالَ: عَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ إِذَا اخْتَلَمَ وَكَذَلِكَ الْجَارِيَةُ عَلَيْهَا الْحَجُّ إِذَا طَمِثَتْ.^۱

اسحاق بن عمار می گوید از امام کاظم عليه السلام درباره‌ی پسر ده ساله‌ای سؤال کردم که حج به جا می‌آورد. حضرت فرمودند: هر گاه محتلم شد حجة الاسلام بر او واجب است، هم چنین جاریه هرگاه حائض شد حج بر او واجب است.

بنابراین تلقی اصحاب این بوده که حج صبی صحیح است. حضرت هم در پاسخ نمی‌فرمایند که حج او باطل است بلکه می‌فرمایند مجزی از حجة الاسلام نیست.

۲. صحیح‌های زراره و حلبی:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ وَعَبِيدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّي عَلَيْهِ؟ قَالَ: إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ: مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سَنِينَ وَالصِّيَامُ إِذَا أَطَاقَهُ.

وَرَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ وَزُرَّارَةَ وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ.^۲

زراره و عبیدالله بن علی الحلبی نقل می‌کنند که از امام صادق عليه السلام درباره‌ی نماز بر صبی سؤال شد که چه موقع بر صبی نماز [میت] می‌خوانند؟ حضرت فرمودند: هرگاه نماز را درک کند. عرض کردم چه زمانی نماز بر او واجب است؟ حضرت فرمودند: وقتی شش سالش باشد. و نیز روزه بر او واجب است هرگاه طاقت داشته باشد.

مرحوم صدوق رحمته الله این روایت را با دو سند از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند؛ یکی از طریق زراره^۳ و دیگری از طریق عبیدالله بن علی الحلبی^۴ که هر دو طریق صحیح است. بنابراین سند روایت تمام است.

۱. همان، ابواب وجوب الحج، باب ۱۲، ح ۱، ص ۴۴ و من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲. همان، ج ۳، کتاب الصلاة، أبواب صلاة الجنابة، باب ۱۳، ح ۱، ص ۹۵ و من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۷.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۲۵.

و ما كان فيه عن زرارة بن أعين فقد روئته عن أبي - رضی الله عنه - عن عبد الله ابن جعفر الحميري، عن محمد بن عيسى بن عبید؛ و الحسن بن ظریف؛ و علی بن إسماعيل بن عيسى كلهم عن حماد بن عيسى، عن حريز بن عبد الله، عن زرارة بن أعين.

۴. همان، ص ۴۲۹.

و ما كان فيه عن عبید الله بن علی الحلبي فقد روئته عن أبي؛ و محمد بن الحسن - رضی الله عنهما - عن سعد بن عبد الله؛ و الحميري جميعا عن أحمد و عبد الله ابني محمد بن عيسى، عن محمد بن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن عبید الله بن علی الحلبي.

«تَجِبُ» در این روایت به معنای وجوب اصطلاحی نیست، بلکه به این معناست که چه زمانی نماز از صبی قبول می‌شود و یا چه موقع نماز بر او استحباب آکید دارد. به هر حال روایت دال بر قبول نماز صبی است.

۳. صحیح‌های محمد بن مسلم:

وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّي؟ فَقَالَ: إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ: مَتَى يَعْقِلُ الصَّلَاةَ وَتَجِبُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: لَسِتَّ سِنِينَ.^۱

محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نقل می‌کند که از حضرت درباره‌ی صبی پرسیدم که چه موقع نماز بر او واجب می‌شود؟ حضرت فرمودند: هرگاه نماز را تعقل کند و بفهمد. عرض کردم: چه موقع نماز را تعقل می‌کند و بر او واجب می‌شود؟ حضرت فرمودند: برای شش ساله.

این روایت هم لفظ «تَجِبُ عَلَيْهِ» دارد و بیان می‌کند بر خود صبی واجب می‌شود. بنابراین با توجه به این روایات و نیز روایات دیگری که وجود دارد، این شبهه که «عبادات صبی» تمرینی است به گونه‌ای که وظیفه‌ی ولی باشد که او را امر به صلوات و صوم کند» دفع می‌شود و حتی ظهور اولی روایاتی که می‌فرماید «مروا صبیانکم بالصلاة و الصوم»^۲ این است که صوم و صلوات از جانب صبی مطلوب است، پس وقتی مطلوب بود یعنی صحیح است.

و اگر کسی مناقشه کند که این روایات مختص به حج، صوم و صلوات است و سایر عبادات را شامل نمی‌شود، در جواب می‌گوییم:

اولاً: عبادت عمدۀ همین سه قسم هستند.

و روایتی عن ابي؛ و محمد بن الحسن، و جعفر بن محمد بن مسرور - رضی الله عنهم - عن الحسين بن محمد بن عامر، عن عمه عبد الله بن عامر، عن محمد بن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن عبيد الله بن علي الحلبي.

۱. وسائل الشیعة، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب اعداد الفرائض، باب ۳، ح ۲، ص ۱۸ و تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۵، کتاب الصلاة، باب ۴، ص ۱۳۲.

نَوَادِرُ الرَّوَّادِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مُرُوا صَبِيَّانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تِسْعِ سِنِينَ.

✓ رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: مُرُوهُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ.

✓ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، رَوَيْنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يُؤْمَرُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلَ وَبِالصَّوْمِ إِذَا أَطَاقَ.

✓ وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَّانَنَا بِالصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ مَا أَطَافُوا مِنْهُ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ.

ثانياً: اطلاق بعض آیات شریفه از جمله ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱ این شبهه را دفع می‌کند.

بنابراین خلاصه‌ی نظر مختار این شد که شبهه‌ای در صحّت عبادات صبیّ وجود ندارد و عمومات و اطلاقات قرآن کریم و روایات شریفه، دالّ بر صحّت عبادات صبیّ است، و از آنجا که مُخرجی از این اطلاقات و عمومات وجود ندارد، لذا ملتزم به صحّت عبادات صبیّ می‌شویم.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱.